مرکز تحقیقات دارالحدیث

میراث حدیثی شیعه

دفتر دوم

به کوشش

مهدی مهریزی

علی صدرایی خویی

بسم الله الرحمن الرحيم

مهریزی، مهدی، ۱۳٤۱ ـ، گردآورنده.
میراث حدیث شیعه: ۲/ به کوشش مهدی مهریزی و علی صدرایی خویی. ـ قم: مؤسسهٔ فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۷۸.
٦٥۲ ص.
کتابنامه به صورت زیر نویس.
۱. احادیث شیعه ـ مجموعه‌ها. ۲. احادیث شیعه ۳. اربعینیات. ٤. احادیث خاص (حدیث حقیقت). ٥. احادیث خاص (رأس جالوت). ٦. احادیث ـ مسائل ادبی. ۷. حدیث ـ علم‌الرجال. ۸. احادیث ـ اجازه‌ها. الف عنوان. ب صدرایی خویی، علی، ۱۳٤۲ ـ ، گردآورندهٔ همکار.
۲۹۷/۲۱۸
BP ۱٤۱/ ۹م۹م

شابک: ٤ـ٥٤ـ٥۹۸٥ـ۹٦٤
ISBN : 964 _ 5985 _ 54 _ 4

مرکز تحقیقات دارالحدیث

میراث حدیث شیعه/۲

به کوشش:

مهدی مهریزی

علی صدرایی خویی

همکاران علمی:

ابوالفضل حافظیان، قاسم شیرجعفری، حسین گودرزی

ویراستار فارسی: **محمدرضا موحدی** ویراستار عربی: **اسعد طیب مولوی**

حروف نگاری و صفحه آرایی: **محمد ضیاء سلطانی، فخرالدین جلیلوند**

دفتر میراث حدیث شیعه: قم، خیابان ۱۹ دی، کوچه دهم، پلاک ۳۱
نشانی برای مکاتبه: قم، ص. پ: ۳٤۱۸ / ۳۷۱۸٥ مرکز تحقیقات دارالحدیث، میراث حدیث شیعه
تلفن: ۷۱۱۷٤٥، نمابر: ۷۱۹۱۹۰

فهرست

آغاز دفتر ۷

متون حدیثی

وصية النبيّ ﷺ لعليّ بن أبي طالب ﷺ ۱۱

به روایت عمر بن محمّد نسفی / تحقیق: سید احمد رضا حسینی

المناجاة الإلهيّات ۵۳

سیّد ضیاء الدین فضل الله بن علی راوندی / تحقیق: سعید رضا علی عسکری

الاستبصار في النص على الأئمّة الأطهار ﷺ ۸۹

أبوالفتح محمّد بن علی بن عثمان کراجکی / تحقیق : محمد اسلامی یزدی

الأربعون حديثاً ۱۳۵

عزّالدین حسین حارثی عاملی / تحقیق: علی اوسط ناطقی

شرح و ترجمه حدیث

شرح حديث حقيقت ۱۸۷

خواجه محمّد دهدار / تحقیق: مهدی مهریزی

صحيفة المحبة ۲۱۱

سائل کاشانی / تحقیق: محمد مهدی فقیهی

شرح حديث رأس الجالوت ۲۳۳

ملا عبدالصاحب محمد بن احمد نراقی / تحقیق: سید محمّدرضا حسینی

المكنون في حقائق الكلم النبويّة ۲۵۵

أبو محمد روزبهان بقلی فسایی شیرازی / تحقیق: علی صدرایی خویی

نظیم اللئالی ۳۶۵

سیّدقوام‌الدین محمّد بن محمّد حسینی‌سیفی‌قزوینی / تحقیق: حسین گودرزی

علوم حدیث

لبّ اللباب في علم الرجال ۳۹۵

ملا محمّد جعفر شریعتمدار استرآبادی / تحقیق: محمّد حسین مولوی

شرح طرق الشیخ الطوسي ۴۹۷

ملا محمّد جعفر شریعتمدار استرآبادی / تحقیق: علی فرّخ

الفوائد الرجالیة للمحقّق الکرکي ۵۳۵

محمّد حسّون

اجازات

اجازات فیض کاشانی ۵۹۷

ابوالفضل حافظیان

معرفی نسخه

إزالة الأوهام شیخ ابوالقاسم خویی ۶۲۹

سید صادق حسینی اشکوری

المناجاة الالهيّات

سيّد ضياء الدين فضل الله بن علي راوندي (م ۵۷۲ ق)

تحقيق: سعيد رضا علي عسكري

درآمد

المناجات الالهيّات مناجات مفصلي است از اميرالمؤمنين علي عليه السلام كه از طرق متعدد شيعه و سني روايت شده‌است.

علامهٔ بزرگوار ضياءالدين ابوالرضا سيد فضل‌الله بن علي بن عبيدالله حسني راوندي[1] روايتگر اين مناجات، يكي از عالمان وارسته در قرن ششم هجري بوده است.

وي در حدود سال ۴۸۳ هجري چشم به جهان گشود و از آنجاكه

---

۱. راوند در قديم روستايي در نزديكي كاشان بوده و اينك به شهر كوچكي تبديل شده است. تعدادي از علماي شيعه و سني به اين شهر منتسبند؛ از جمله علماي شيعه شيخ بزرگوار ابوالحسين سعيد بن هبةالله مشهور به قطب‌الدين راوندي است كه هم عصر سيد فضل‌الله راوندي بوده است. او در سال ۵۷۳ هـ وفات يافت و در صحن شريف حضرت معصومه در شهر قم به خاك سپرده شده و از جمله علماي سني مذهب اين شهر زيد بن علي بن منصور راوندي متولد ۴۷۲هـ و حيّان بن بشر بن مخارق متوفّى ۲۳۸هـ است كه از طرف مأمون عباسي سمت قضاوت داشته‌است. ر.ك: لمعة النور والضياء، ص۴۷؛ الأنساب للسمعاني، ج۳، ص۳۱

در خـاندان فـقاهت و عـلم و ادب پـرورش یـافت، در عـلوم گوناگون اسلامی بهره‌ای وافر و دستی پر داشت. او در سـنین جوانی محضر علما و استادان بـزرگی هـمچون شـیخ طـبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان و ابوعلی حسن بن ابی‌جعفر شیخ الطـایفة مـحمد بـن حسـن طـوسی مشـهور بـه مـفید ثـانی و عبدالواحد بن اسماعیل رویانی را درک کرد.

شرح حال مفضّل راوندی در کـتاب **لمعة النور والضیاء فـی ترجمة السیّد أبـي الرضـا** نـوشتهٔ حـضرت آیت‌الله مـرعشی نجفی‌ﷺ [1] و در مقاله **نهج البلاغة عبر القرون** محقق فقید سـید عبدالعزیز طباطبایی ﷺ [2] آمده‌است.[3]

تاریخ رحلت سید فضل‌الله راوندی هـمچون تـاریخ ولادت او نامعلوم است. برخی رحـلت او را در سـال ۵۶۳هـ و بـرخـی در

---

۱. این کتاب در سال ۱۳۴۳ ش در چاپخانه حیدری و توسط جناب میرزا فخرالدین نصیری امینی در قطع وزیری به چاپ رسیده‌است.

۲. مجله فصلی تراثنا شماره ۲و۳ سال نهم ربیع الآخر ـ رمضان ۱٤۱٤ صفحات ۱۵٤ـ۱۸۸ و هم اکـنون بـا ضمیمه مقالات دیگر آن جناب به شکل کتابی در دست چاپ قرار دارد.

۳. شرح حال سیّد فضل الله راوندی در مصادر زیر نیز قابل دسترسی است: اعیان الشیعة، ج ۸، ص ٤۰۸؛ الأعلام للزرکلي، ج ۵، ص ۱۵۲؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۲۱۷؛ الأنساب سمعانی واژه راوندی و قاشانی؛ بهجة الآمال، ج ٦، ص ۵۰؛ تاج العروس (مادهٔ رود ـ راونـد)؛ تـنقیح المـقال رقـم: ۹٤۹٤؛ خـاتمة المستدرك، ص ۳۲٤ و ٤۹۳؛ روضات الجنات، ج ۵، ص ۳٦۵؛ ریاض العلماء، ج ٤، ص ۳٦۳ـ۳۷٤؛ الدرجات الرفیعة، ص ۵۰٦؛ طبقات اعلام الشیعة القرن السادس، ص ۲۱۷؛ طرائف المقال، ج ۱، ص ۱۱۲؛ عمدة الطالب، ص ۱۸۵؛ الفهرست منتجب‌الدین رقم: ۳۳٤؛ فوائد الرضـویه، ص ۳۵٤؛ الکـنی والألقاب، ج ۲، ص ۲۳۵؛ اللباب ابن اثیر، ج ۳، ص ۷؛ لباب الألقاب، ص ٦٤؛ معجم المؤلفین، ج ۸، ص ۷۵؛ منتهی المقال، ص ۲٤۲؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۳۱۹؛ مقدمهٔ دیوان راوندی؛ مفاخر اسلام، ج ۳، ص ٤۵۳؛ هدیة العارفین، ج ۱، ص ۸۲۱

سال ۵۷۱ه می‌دانند. علاّمه سید عبدالعزیز طباطبایی در این باره می‌نویسد: رحلت سید فضل الله راوندی چندان پیش از سال ۵۷۲ه و چندان هم پس از آن نبوده‌است. زیرا در موزهٔ عراق در بغداد نسخه‌ای از نهج البلاغه به شماره ۳۷۸۴ نوشته به سال ۵۵۶ه وجود دارد که با نسخه‌ای که راوندی در سال ۵۷۱ه قرائت کرده، مقابله شده‌است. همچنین در کتابخانهٔ رضا در رامپور هند نسخه‌ای از کتاب خصائص الأئمة به شمارهٔ ۱۱۹۰ وجود دارد که در سال ۵۵۳ه نگاشته شده[1] که دستخط راوندی بر آن مشاهده می‌شود. این نسخه را عبدالجبار بن الحسین بر او قرائت و از او روایت نموده است که با اسناد به مرحوم رضی مؤلف خصائص الائمه می‌رسد و در صفحهٔ اول آن کتاب چنین آمده: «وكتب فضل‌الله بن علي الحسني أبوالرضا الروانـدي في ذي القعدة من سنة خمس وخمسين وخمس مائة حامداً لله تعالى...» و در کنار کلمه راوندی برخی قدما نوشته‌اند «توفّی رحمه الله في يوم عرفه...» که تاریخ آن از بین رفته‌است. حال با جمع این دو مطلب می‌توان چنین نتیجه گرفت که او تا روز هشتم ذی‌حجه سال ۵۷۱ه در قید حیات بوده و سال وفاتش روز عرفه همین سال یا سال پس از آن است که با این وصف او نزدیک به نود سال زندگی کرده‌است.

مرقد او در کاشان در قبرستان محلّهٔ پنجه شاه و در شمال مسجد جامع قدیم قرار دارد. حبیب‌الله کاشانی متوفای ۱۳۴۰ه

---

۱. از این نسخهٔ خطی عکسی در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران به شمارهٔ فیلم ۵۰۴۶ وجود دارد که در فهرست میکرو فیلم‌ها جلد۳ صفحهٔ۱۲۶ آمده‌است.

می‌نویسد : ...او عالمی فاضل و زاهد بود که کرامات بسیاری از او نقل کرده‌اند. مقبره‌اش در کاشان معروف است و حاجتمندان به زیارتش می‌آیند.[۱]

مناجاة مولانا أمیرالمؤمنین ﷺ در منابع روایی

این مناجات در مصادر روایی به شکل‌های گوناگونی نقل شده‌است. در برخی مصادر قطعه‌هایی از این حدیث آمده و به سایر امامان نسبت داده شده‌است. منابعی که این مناجات در آنها آمده عبارتند از:

۱ـ **الصحیفة السجادیة الکاملة**، به سند بهاء الشرف، که در دعای پنجاه‌وسوم آن بخشی از این مناجات آمده‌است.

۲ـ **کامل الزیارات**، جعفر بن محمّد بن قولویه قمّیّ (متوفای ۳۶۷ق) که بخش کوتاهی از این دعا را ضمن زیارت ضریح مطهر امام حسین ﷺ به نقل از ابوحمزهٔ ثمالی از امام صادق ﷺ آورده‌است.

۳ـ **دستور معالم الحکم و مأثور مکارم الشیم**، قاضی قضاعی از علمای اهل سنّت متوفای ۴۵۴ هکه در باب هشتم آن کتاب این مناجات را نقل کرده و کاستی‌هایی در متن و در تقدم و تأخر برخی فقرات دارد.

٤ـ **اقبال الأعمال**، سید ابن طاووس که در آن بخشی از این مناجات از ابوحمزه ثمالی به نقل از امام زین العابدین ﷺ ذکر شده است.

---

۱. لباب الألقاب ص ٦٤

۵ـ **المزار**، شهید اول، بخشی از این مناجات را به نقل از میثم تمار از امیرالمؤمنین﵇ آورده‌است.

۶ـ کفعمی در **البلد الأمین و جُنّة الأمان الواقیة وجَنّة الإیمان الباقیة** مشهور به «مصباح کفعمی» که تمامی این مناجات را بـه نـقل از امام حسن عسکری﵇ از پدرانش از امام علی﵇ نقل کرده و در آن ذیلی برای این مناجات آورده کـه روایت راونـدی فـاقد آن است. این بخش به نقل از این دو کتاب و همچنین نسخهٔ «ق» در آخر مناجات ذکر شده است.

۷ـ علامهٔ مجلسی نیز در **بحار الانوار** این مـناجات را بـه نـقل از «انیس العابدین» و «البلد الامین» نقل کرده‌است.[۱]

۸ـ کتاب **الصحیفة العلویة والتحفة المرتضویة**، نوشتهٔ عبدالله بن صالح سماهیجی از علمای قرن ۱۲. این دعا بـه طـور کـامل بـا اضافاتی در فقرهٔ پایانی دعا، در این کتاب آمده‌است که برای اطلاع خوانندگان محترم بخش اضافی در پاورقی آن آورده شده است.

۹ـ **الصحیفة السجادیة الجامعة**، جمع آوری محمدباقر ابـطحی. این مناجات در دعای شمارهٔ ۱۹۷ آن با عنوان «المناجاة لله» و در دعای ۱۹۹ با عنوان مناجات انجیلیه طویله و در ذیل دعای ۲۰۱ بخش‌هایی از این مناجات را آورده‌است.[۲]

۱۰ـ در کتاب **مفاتیح الجنان** شیخ عباس قمی نیز بـخش‌هایی از این مناجات در ضمن مناجات شعبانیه و مناجات خمسة عشر و دعای روز پنج‌شنبه نقل شده‌است.

---

۱. بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۹۹ و ص ۱۵۳

۲. الصحیفة السجادیة الجامعة، الطبعة الأولی: ۱۴۱۱ق، ص ۴۲۲ و ۴۵۱ و ۴۸۱

شیوهٔ تحقیق

تصحیح و مقابلهٔ متن کامل «المناجات الالهیات» یا به تعبیر صحیح‌تر مناجات مولانا أمیرالمؤمنین ﷺ به روایت سیّد فضل‌الله راوندی با چند نسخه و کتاب با این خصوصیات انجام گرفته‌است:

۱ـ نسخه‌ای که در سال ۹۰۸ق به دست خواجه عبدالحق سبزواری تحریر شده. این نسخه در تملک آقای فخرالدین نصیری امینی بوده که آن را به صورت افست و عکسی منتشر کرده‌اند. این نسخه اساس تحقیق ما بوده که از آن با علامت «أ» یاد کرده‌ایم.

۲ـ نسخهٔ دیگری که در قرن ششم یا هفتم هجری تحریر شده و باز متعلق به آقای نصیری بوده و همراه نسخهٔ سابق به صورت عکسی منتشر شده‌است. سند این نسخه مشابه نسخهٔ سابق است، با این تفاوت که از علی بن فضل الله نقل شده و بخش میانی مناجات بر اثر مرور زمان و حوادث روزگار از بین رفته است. علامت و اختلاف‌های این نسخه با رمز «ج» در پاروقی‌ها تذکر داده شده‌است.

۳ـ نسخهٔ شمارهٔ ۱۱۹۸۳ کتابخانه آستان قدس رضوی که در سدهٔ دوازدهم هجری تحریر شده و سند آن حذف شده‌است. اختلافات این نسخه با رمز «ق» ثبت شده‌است.

۴ـ این مناجات با مناجات امیرالمؤمنین ﷺ که در دو کتاب کفعمی آمده مقابله شده و تفاوت‌ها و زیادت و نقصان‌ها در پاورقی آمده است همچنین با مناجاتی که در کتاب الصحیفة

العلويّة والتحفة المرتضوية و نسخه قضاعی آمده مقابله شده ، ولی تفاوت‌های این دو ـ به جز اندکی ـ به دلیل شباهت کتاب الصحیفة العلویّة با دو کتاب کفعمی و نیز به دلیل نقصان و تقدم و تأخری که در نسخهٔ قضاعی وجود داشت ، در پاورقی ذکر نشده است .

اخبرنی المولی السید الامام السعید رضی الدین ابو القاسم علی بن موسی بن طاؤس

قال اخبرنی مولای وعمّ والدی رحمه الله نه قال اخبرنی علی الحسن بن محمد بن الحسن

وانا اخبرنی ابو الحسن علی بن محمد بن الحسن الطبیبی قال اخبرنی الشیخ ابو الحسن محمد بن

الحسن الفحام رضی الله عنه قال اخبرنی احمد بن الحسن بن احمد بن داود

الوثاب قال اخبرنی الفاسانی بن ابیه عن علی بن محمد بن شیرة الفاسانی قال

ابو محمد الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی

ابی طالب صلوات الله علیهم بشوّال سنة ستین وثلثمائة

المناجاة لامیر المومنین صلی الله علیه وآله وسلم

اهی

صل علی محمد وآل محمد وارحمنی اذا انقطع من الدنیا اثری وامحی

من المخلوقین ذکری وصرت فی المنسیین کمن قد نسی

اهی کبرت سنی ودق جلدی وذنوبی عظیمة فنادانی الدهر

بنبی واقترب اجلی وتقاربت ایامی وذهبت شهوتی

یعنی وامحت کما سبی وبلی جسمی وتقطعت اوصالی و

تمزقت اعضائی اهی الجسمی دنونی وقطعت مقالتی

فلا تجعلنی ولا تعذبنی فانا المقر لک بذنبی المعترف بمالا یاتیه

الا مسیء بدنی المرتهن بعملی المنهور فی محو خطیئتی

غیر قاصی المنقطع الی فضل علی محمد آله وارحمنی برحمتک

اسناد مناجات الالهیات

قال اخبرنی السید الامام ضیاء
الدین حجة الاسلام ابو الرضا فضل الله بن علی
بن عبد الله الحسینی الراوندی ● فدس الله
روحه ● اخبرنی به اجازة ابو الحسن
علی بن یحیی الراوندی ● رحمه الله علیه ● قال علی
بن الحسن بن محمد بن احمد البازرکزنی ● قلت وقلت
من نسخه بخطه ● قال اخبرنی ابو الحسن
علی بن محمد الحلبی الهاشمی ● بمرو الاحد
تاسع شهر رمضان من سنة ثمان وثمانین وثلثمائة

قال حدثنی علی بن نصیر الطائی بمرو الشاذ
غرة شعبان سنة احدی وثمانین وثلثمائة
قال حدثنی احمد بن الحسین بن احمد بن ابو
الهاب الراوندی الهاشمی بمرجان سنة ثلث وثلثین
وثلثمائة ● قال حدثنی ابی عن علی بن محمد بن شیرة
ابو ثابت الهاشمی المعروف بالاعرج عن الامام الهمام
المؤید المنصور ابی محمد الحسن بن علی بن محمد بن
علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن
علی بن ابی طالب علیهم السلام ● عن ابیه عن آبائه
عن امیر المؤمنین علیه السلام ● بهذه المناجات
وذلک یسیر من ذای سنة ثلث وثمانین ومائتین وهو هذا

بسم الله الرحمن الرحيم

قال السيّدُ الإمام ضياءُ الدّين حجّةُ الإسلام أبو الرّضا فضلُ الله بن عليّ بن عبيدالله الحسنيّ الراونديّ ـ قدّس اللهُ روحَه ـ : أخبَرَني الدِّهخُداه السعيد أبوالحسن عليّ بن يحيى الراونديّ ـ رحمة الله عليه ـ قال (: حدّثني) عليّ بن الحسن بن محمّد بن أحمد البارْكَرْزيّ، قلتُ ونقلتُ من نسخته بخطّه، قال : أخبَرَني أبوالحسن عليّ بن محمّد الخَليديّ القاسانيّ يومَ الأحد تاسع شهر رمضان من سنة ثمان وثمانين وثلاثمائة، قال : حدّثني عليّ بن نصير القُطاميّ يومَ الثلاثاء غُرَّةَ شعبان سنةَ إحدى وثمانين وثلاثمائة، قال : حدّثني أحمد بن الحسن بن أحمد بن داود القاسانيّ الوَسّابيّ[1] بجُرجان، سنةَ ثلاث وثلاثين وثلاثمائة، قال : حدّثني أبي، عن عليّ بن محمّد بن شيرة الوَثّابيّ القاسانيّ المعروف بالأعَزّ[2]، عن الإمام المعصوم المؤيَّد، الموسوم بأبي محمّد الحسن بن عليّ بن محمّد بن عليّ

---

١ ـ كذا في نسخة «أ» وفي نسخة «ج»: «الوثّابي».

٢ . ثقة . وكان فقيهاً مكثراً فاضلاً . له كتاب التأديب وهو كتاب الصلاة وهو يوافق كتاب ابن خانبه وفيه زيادات في الحجّ وكتاب الجامع في الفقه كبير . رجال الطوسي ، ص ٣٨٨، رقم ٥٧١١، رجال ابن داود ، ص ٤٨٦، ص ٣٤٢، رجال النجاشي ، ج ٢، ص ٧٩، رقم ٦٦٧، معجم رجال الحديث، ج ١٢، ص ١٤٨ ، رقم ٨٤٣١ و ٨٤٣٢

ابن موسى بن جعفر بن محمّد بن عليّ بن الحسين بن عليّ بن أبي طالب عليهم السلام عن أبيه عن آبائه عن أمير المؤمنين عليه السلام بهذه المناجاة، وذلك بـ«سُرَّ مَنْ رَأى» سنةَ ستّين ومائتين وهي هذه:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ[1]

١ ـ **اللّٰهُمَّ**[2] صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْيا أَثَرِي، وَانْمَحىٰ[3] مِنَ الْمَخْلُوقِينَ ذِكْرِي، وَصِرْتُ مِنَ[4] الْمَنْسِيِّينَ، كَمَنْ قَدْ نُسِيَ قَبْلِي[5].

٢ ـ **إِلٰهِي** كَبُرَتْ سِنِّي، وَرَقَّ جِلْدِي، وَدَقَّ عَظْمِي، وَنالَ الدَّهْرُ مِنِّي، وَاقْتَرَبَ أَجَلِي، وَنَفِدَتْ أَيّامِي، وَذَهَبَتْ شَهْوَتِي[6]، وَبَقِيَتْ تَبِعَتِي[7].

٣ ـ (**إِلٰهِي** ارْحَمْنِي إِذا تَغَيَّرَتْ صُورَتِي)[8]، وَانْمَحَتْ[9] مَحاسِنِي، وَبَلِيَ جِسْمِي وَتَقَطَّعَتْ أَوْصالِي، وَتَفَرَّقَتْ[10] أَعْضائِي.

٤ ـ **إِلٰهِي** أَفْحَمَتْنِي ذُنُوبِي، وَقَطَّعَتْ مَقالَتِي، فَلا حُجَّةَ لِيَ وَلا عُذْرَ، فَأَنَا الْمُقِرُّ بِجُرْمِي، الْمُعْتَرِفُ بِإِساءَتِي، الْأَسِيرُ بِذَنْبِي، الْمُرْتَهَنُ[11] بِعَمَلِي، الْمُتَهَوِّرُ في بُحُورِ

---

١. لم يعلم هل التسمية هذه جزء من الدعاء أم لا، لأنّها ليست في المصادر والنسخ الأخرى، إلاّ في نسخة «أ» مع أنّ تحتها خطّ، مشعرٌ بأنّها ليست من الدعاء ولكن كتبها تيمناً ونقرؤها تبرّكاً، والله العالم.

٢. في نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح: «إلهي».

٣. في نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح: «وامتحى».

٤. في نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح: «في».

٥. ليس في نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح: «قبلي».

٦. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «شهواتي».

٧. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «تبعاتي».

٨. أثبتناه من نسخة ق والبلد الأمين والمصباح.

٩. في نسخة ج، ق والبلد الأمين: «وامتحت»، وفي المصباح: «وامنحت».

١٠. في نسخة ج: «تمزّقت».

١١. في نسخة أ والمصباح: «المرتَهِن» وما أثبتناه من نسخة: ج، ق والبلد الأمين.

خَطِيئَتِي، الْمُتَحَيِّرُ عَنْ قَصْدِي، الْمُنْقَطَعُ بِي، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ، وَتَجاوَزْ عَنِّي بِمَغْفِرَتِكَ[1].

٥ ـ **إِلٰهي** إِنْ كانَ صَغُرَ في جَنْبِ طاعَتِكَ عَمَلِي، فَقَدْ كَبُرَ في جَنْبِ رَجائِكَ أَمَلِي.

٦ ـ **إِلٰهي** كَيْفَ أَنْقَلِبُ بِالْخَيْبَةِ مِنْ عِنْدِكَ مَحْرُوماً، وَقَدْ[2] كانَ ظَنِّي[3] بِجُودِكَ أَنْ تُقَلِّبَنِي[4] بِالنَّجاةِ مَرْحُوماً.

٧ ـ **إِلٰهي** [5] لَمْ أُسَلِّطْ عَلىٰ حُسْنِ ظَنِّي بِكَ[6] قُنُوطَ الْآيِسِينَ، فَلا تُبْطِلْ صِدْقَ رَجائِي لَكَ بَيْنَ الْآمِلِينَ. إِلّا أَنِّي إِذا ذَكَرْتُ كِبَرَ[7] جُرْمِي وَعِظَمَ[8] غُفْرانِكَ، وَجَدْتُ الْحاصِلَ لِي مِنْ بَيْنِهِما عَفْوَ رِضْوانِكَ.

٨ ـ **إِلٰهي** إِنْ دَعانِي إِلَى النّارِ بِذَنْبِي مَخْشِيُّ عِقابِكَ، فَقَدْ نادانِي إِلَى الْجَنَّةِ بِالرَّجاءِ حُسْنُ ثَوابِكَ.

٩ ـ **إِلٰهي** إِنْ أَوْحَشَتْنِي الْخَطايا عَنْ مَحاسِنِ لُطْفِكَ، فَقَدْ آنَسَتْنِي بِالْيَقِينِ مَكارِمُ عَطْفِكَ.

١٠ ـ **إِلٰهي** إِنْ أَنامَتْنِي الْغَفْلَةُ عَنِ الْاسْتِعْدادِ لِلِقائِكَ، فَقَدْ أَنْبَهَتْنِي الْمَعْرِفَةُ يا

---

١. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «يا كريم بفضلك» بدل «مغفرتك»، وليس في نسخة ج: «بمغفرتك».

٢. ليس في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «قد».

٣. زاد في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «بك و».

٤. في نسخة ج والبلد الأمين والمصباح: «تَقْلِبَني»، وفي نسخة ق: بضمّ التاء وفتحها.

٥. زاد في نسخة ج: «إذ».

٦. ليس في بحار الأنوار: «بك».

٧. في نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح: «كبير».

٨. في نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح: «عظيم».

سَيِّدِي بِكَرِيمِ آلائِكَ.

١١ ـ **إلـهي** إنْ عَزُبَ لُبّي عَنْ تَقْوِيمِ ما يُصْلِحُنِي، فَما عَزُبَ إيقانِي بِنَظَرِكَ لِي فِيما يَنْفَعُنِي.

١٢ ـ **إلـهي** إنِ انْقَرَضَتْ[١] بِغَيْرِ ما أَحْبَبْتَ مِنَ السَّعْيِ أَيّامِي، فَبِالْإِيمانِ أَمْضَتْهَا[٢] الْماضِياتُ مِنْ أَعْوامِي.

١٣ ـ **إلـهي** جِئْتُكَ مَلْهُوفاً، قَدْ أُلْبِسْتُ عُدْمَ فاقَتِي، وَأَقامَنِي مَقامَ الْأَذِلّاءِ بَيْنَ يَدَيْكَ ضُرُّ حاجَتِي.

١٤ ـ **إلـهي** كَرُمْتَ فَأَكْرِمْنِي إِذْ كُنْتُ مِنْ سُؤّالِكَ، وَجُدْتَ بِالْمَعْرُوفِ فَأَلْحِقْنِي[٣] بِأَهْلِ نَوالِكَ.

١٥ ـ **إلـهي** مَسْكَنَتِي لا يَجْبُرُها إلّا عَطاؤُكَ، وَأُمْنِيَّتِي لا يُغْنِيها إلّا جَزاؤُكَ.

١٦ ـ **إلـهي** أَصْبَحْتُ عَلىٰ بابٍ مِنْ أَبْوابِ مِنَحِكَ سائِلاً، وَعَنِ التَّعَرُّضِ لِسِواكَ[٤] بِالْمَسْأَلَةِ عادِلاً، وَلَيْسَ مِنْ جَمِيلِ (امْتِنانِكَ)[٥] رَدُّ سائِلٍ مَلْهُوفٍ، وَمُضْطَرٌّ لِانْتِظارِ خَيْرِكَ مَأْلُوفٍ[٦].

١٧ ـ **إلـهي** أَقَمْتُ نَفْسِي[٧] عَلىٰ قَنْطَرَةٍ (مِنْ قَناطِرِ)[٨] الْأَخْطارِ، مُبْلِوّاً بِالْأَعْمالِ

---

١. ج: «انْقَرَضْتَ».

٢. ب (خ ل): «امضيت».

٣. م، ج: «فأخلِطني»، ب، ق: «فاخلُطني».

٤. م: «لسوائك».

٥. أثبتناه من نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح.

٦. في نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح: «المألوف».

٧. ليس في نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح: «نفسي».

٨. أثبتناه من نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح.

وَالْاعْتِبارِ، فَأَنَا الْهالِكُ إِنْ لَمْ تُعِنْ عَلَيْها[١] بِتَخْفِيفِ الْأَوْزارِ[٢].

١٨ ـ **إِلٰهي** أَمِنْ أَهْلِ الشَّقاءِ خَلَقْتَنِي فَأُطِيلَ بُكائِي، أَمْ مِنْ أَهْلِ السَّعادَةِ خَلَقْتَنِي فَأُبَشِّرَ رَجائِي.

١٩ ـ **إِلٰهي** إِنْ حَرَمْتَنِي رُؤْيَةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي دارِ السَّلامِ، وَأَعْدَمْتَنِي طَوافَ[٣] الْوُصَفاءِ مِنَ الْخُدّامِ، وَصَرَفْتَ وَجْهَ تَأْمِيلِي بِالْخَيْبَةِ فِي (دارِ)[٤] الْمُقامِ، فَغَيْرَ ذٰلِكَ مَنَّتْنِي نَفْسِي مِنْكَ يا ذَا الْفَضْلِ وَالْإِنْعامِ.

٢٠ ـ **إِلٰهي** وَعِزَّتِكَ (وَجَلالِكَ)[٥]، لَوْ قَرَنْتَنِي فِي الْأَصْفادِ طُولَ الْأَيّامِ، وَمَنَعْتَنِي سَيْبَكَ مِنْ بَيْنِ الْأَنامِ، وَدَلَلْتَ عَلىٰ فَضائِحِي عُيُونَ الْأَشْهادِ[٦]، وَحُلْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ الْأَبْرارِ[٧]، ما قَطَعْتُ رَجائِي مِنْكَ، وَلا صَرَفْتُ وَجْهَ انْتِظارِي لِلْعَفْوِ عَنْكَ.

٢١ ـ **إِلٰهي** لَوْ لَمْ تَهْدِنِي لِلْإِسلامِ[٨] مَا اهْتَدَيْتُ، وَلَوْ لَمْ تَرْزُقْنِي الْإِيمانَ بِكَ ما آمَنْتُ، وَلَوْ لَمْ تُطْلِقْ لِسانِي بِدُعائِكَ ما دَعَوتُ، وَلَوْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حَلاوَةَ مَعْرِفَتِكَ ما عَرَفْتُ، وَلَوْ لَمْ تُبَيِّنْ لِي شَدِيدَ عِقابِكَ مَا اسْتَجَرْتُ.

٢٢ ـ **إِلٰهي** أَطَعْتُكَ[٩] فِي أَحَبِّ الْأَشْياءِ إِلَيْكَ وَهُوَ التَّوحِيدُ، وَلَمْ أَعْصِكَ فِي أَبْغَضِ الْأَشْياءِ إِلَيْكَ وَهُوَ الْكُفْرُ، فَاغْفِرْ لِي ما بَيْنَهُما.

---

١. في نسخة ق والبلد الأمين: «علينا».

٢. في نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح: «الأثقال».

٣. في نسخة ج، ق والمصباح: «تَطواف» وفي البلد الأمين: «تِطواف».

٤. أثبتناه من نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح.

٥. أثبتناه من نسخة ق والبلد الأمين والمصباح.

٦. ليس في نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح: «ودللت على فضائحي عيون الأشهاد».

٧. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «الكرام».

٨. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح (خ ل): «إلى الإسلام».

٩. في نسخة أ: «أطعت» وما أثبتناه من نسخة ق والمصباح.

٢٣ ـ إلـــهي أُحِبُّ طاعَتَكَ وَإِنْ قَصَّرْتُ عَنْها، وَأَكْـرَهُ مَـعْصِيَتَكَ وَإِنْ رَكِبْتُها، فَتَفَضَّلْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ وَإِنْ لَمْ أَكُنْ[١] أَهْلَها، وَخَلِّصْنِي مِنَ النّارِ وَإِنْ كُنْتُ اسْتَوْجَبْتُها.

٢٤ ـ إلـــهي إِنْ أَقْعَدَنِي التَّخَلُّفُ عَنِ السَّبْقِ مَعَ الْأَبْرارِ فَقَدْ أَقامَتْنِي الثِّقَةُ بِكَ عَلىٰ مَدارِجِ الْأَخْيارِ.

٢٥ ـ إلـــهي قَلْبٌ حَشَوْتَهُ[٢] مِنْ مَحَبَّتِكَ في دارِ الدُّنْيا، كَيْفَ تَطَّلِعُ عَلَيْهِ نارٌ مُحْرِقَةٌ في لَظىٰ.

٢٦ ـ إلـــهي نَفْسٌ أَعْزَزْتَها بِتَأْييدِ إيمانِكَ، كَيْفَ تُذِلُّها[٣] بَيْنَ أَطْباقِ نيرانِكَ.

٢٧ ـ إلـــهي لِسانٌ كَسَوْتَهُ مِنْ تَماجِيدِكَ أَنيقَ أَثْوابِها، كَيْفَ تَهْوِي إِلَيْهِ مِنَ النّارِ مُشْعَلاتُ[٤] الْتِهابِها.

٢٨ ـ إلـــهي كُلُّ مَكْرُوبٍ إِلَيْكَ يَلْتَجِي، وَكُلُّ[٥] مَحْزُونٍ إِلَيْكَ[٦] يَرْتَجِي.

٢٩ ـ إلـــهي[٧] سَمِعَ الْعابِدُونَ[٨] بِجَزيلِ ثَوابِكَ فَخَشَعُوا، وَسَمِعَ الزّاهِدُونَ بِعَظيمِ جَزائِكَ[٩] فَقَنِعُوا، وَسَمِعَ الْمُذْنِبُونَ بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ فَرَغِبُوا[١٠]، وَسَمِعَ الْمُوَلُّونَ عَنِ

---

١. زاد في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «من».

٢. في نسخة أ، ج والمصباح: «حشوتُه» وما أثبتناه من البلد الأمين وفي نسخة ق: بضم التاء وفتحها.

٣. في نسخة أ: «تَذلُّها» وما أثبتناه من نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح.

٤. ليس في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «مشتعلات».

٥. في نسخة ق: «ولكلّ».

٦. في نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح: «إيّاك».

٧. ليس في نسخة ج: «الهي».

٨. في نسخة ج: «العائذون».

٩. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «بسعة رحمتك».

١٠. ليس في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «سمع المذنبون بسعة رحمتك فرغبوا».

الْقَصْدِ بِجُودِكَ فَرَجَعُوا، وَسَمِعَ الْمُجْرِمُونَ بِكَرَمِ عَفْوِكَ[١] فَطَمِعُوا[٢]، حَتّى ازْدَحَمَتْ (مَوْلايَ بِبابِكَ)[٣] عَصائِبُ الْعُصاةِ مِنْ عِبادِكَ، وَعَجَّتْ إِلَيْكَ مِنْهُمْ عَجِيجَ الضَّجِيجِ بِالدُّعاءِ فِي بِلادِكَ، وَلِكُلٍّ أَمَلٌ[٤] ساقَ صاحِبَهُ إِلَيْكَ مُحْتاجاً، وَلِكُلٍّ[٥] قَلْبٌ تَرَكَهُ وَجِيبُ خَوْفِ الْمَنْعِ مِنْكَ مُهْتاجاً، وَأَنْتَ الْمَسْؤُولُ الَّذِي لا تَسْوَدُّ لَدَيْهِ وُجُوهُ الْمَطالِبِ، وَلَمْ تُزْرِ[٦] بِنَزِيلِهِ[٧] قَطِيعاتُ[٨] الْمَعاطِبِ.

٣٠ ـ **إِلـهي** إِنْ[٩] أَخْطَأْتُ طَرِيقَ النَّظَرِ لِنَفْسِي بِما فِيهِ كَرامَتُها، فَقَدْ أَصَبْتُ طَرِيقَ الْفَزَعِ إِلَيْكَ بِما فِيهِ سَلامَتُها.

٣١ ـ **إِلـهي** إِنْ كانَتْ نَفْسِي اسْتَسْعَدَتْنِي مُتَمَرِّدَةً عَلىٰ ما يُرْدِيها، فَقَدِ اسْتَسْعَدْتُها[١٠] الْآنَ بِدُعائِكَ عَلىٰ ما يُنْجِيها.

٣٢ ـ **إِلـهي** إِنْ عَدانِي الْاِجْتِهادُ فِي ابْتِغاءِ مَنْفَعَتِي، فَلَمْ يَعْدُنِي بِرُّكَ بِما فِيهِ[١١] مَصْلَحَتِي.

---

١. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «بسعة غفرانك».

٢. زاد في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «وسمع المؤمنون بكرم عفوك وفضل عوارفك فرغبوا».

٣. أثبتناه من نسخة ق والبلد الأمين والمصباح.

٤. زاد في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «قد».

٥. ليس في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «لكلّ».

٦. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «ولم تزرأ».

٧. في نسخة ق وبحار الأنوار: «بتنزيله».

٨. في البلد الأمين: «فظيعات».

٩. في نسخة ج: «وإن».

١٠. في نسخة ج: «اسعدتها».

١١. ب، ق: «بي فيما فيه»، ج: «لي فيما فيه».

٣٣ ـ إلـــهي إنْ قَسَطْتُ[١] فِي الْحُكْمِ عَلىٰ نَفْسِي بِما فِيهِ حَسْرَتُها، فَقَدْ أَقْسَطْتُ الْآنَ[٢] بِتَعْرِيفِي إيّاها مِنْ رَحْمَتِكَ إشْفاقَ رَأْفَتِها[٣].

٣٤ ـ إلـــهي إنْ[٤] أَجْحَفَ[٥] بِي قِلَّةُ الزّادِ فِي الْمَسِيرِ إلَيْكَ، فَقَدْ وَصَلْتُهُ[٦] بِذَخائِرِ ما أَعْدَدْتُهُ مِنْ فَضْلِ تَعْوِيلِي عَلَيْكَ.

٣٥ ـ إلـــهي[٧] إذا ذَكَرْتُ رَحْمَتَكَ ضَحِكَتْ إلَيْها وُجُوهُ وَسائِلِي، وَإذا ذَكَرْتُ سَخْطَتَكَ[٨] بَكَتْ لَها[٩] عُيُونُ مَسائِلِي.

٣٦ ـ إلـــهي فَأَفِضْ[١٠] بِسَجْلٍ مِنْ سِجالِكَ عَلىٰ عَبْدٍ قَدْ أَيْبَسَ[١١] رِيقَهُ مُتْلِفُ[١٢] الظَّمَإِ، وَأَمِتْ بِجُودِكَ عَنهُ كَلالَةَ الْوَنىٰ[١٣].

٣٧ ـ إلـــهي أَدْعُوكَ دُعاءَ مَنْ لَمْ يَرْجُ غَيْرَكَ بِدُعائِهِ، وأَرْجُوكَ رَجاءَ مَنْ لَمْ يَقْصِدْ

---

١. في نسخة ق وبحار الأنوار: «بسطت».

٢. وليس في نسخة ج: «ألآن».

٣. في نسخة ق وبحار الأنوار: «رأفتك».

٤. ليس في المصباح: «إن».

٥. في بحار الأنوار: «أحجم».

٦. زاد في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «الآن».

٧. ليس في نسخة ق: «إلهي».

٨. في البلد الأمين: «سخطك».

٩. في نسخة ج: «إليها»، وفي المصباح: «عليها».

١٠. في المصباح: «فاقض».

١١. في نسخة ج والبلد الأمين: «آيس» وفي نسخة ق: «أنس» والبلد الأمين (خ ل) والمصباح: «بائس» بدل «قد أيبس».

١٢. في نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح: «قد أتلفه».

١٣. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «وأحاط بخيط جيده كلال الونى» و نسخة ج: «وأمط بجودك عن خيط جيده كلال الونى».

غَيْرَكَ بِرَجائِهِ.

٣٨ ـ **إلـهي** كَيْفَ أَرُدُّ عارِضَ تَطَلُّعِي إلىٰ نَوالِكَ وَإِنَّما أَنَا فِي اسْتِزْازاقِي لِهٰذَا الْبَدَنِ أَحَدُ عِيالِكَ.

٣٩ ـ **إلـهي** كَيْفَ أُسْكِتُ بِالْإِفْحامِ لِسانَ ضَراعَتِي، وَقَدْ أَقْلَقَنِي[١] ما أُنْهِمَ عَلَيَّ مِنْ مَصِيرِ عاقِبَتِي.

٤٠ ـ **إلـهي** قَدْ[٢] عَلِمْتَ حاجَةَ نَفْسِي إلىٰ ما تَكَفَّلْتَ[٣] لِي[٤] بِهِ مِنَ الرِّزْقِ فِي حَياتِي، وَعَرَفْتَ قِلَّةَ اسْتِغْنائِي عَنهُ مِنَ[٥] الْجَنَّةِ بَعْدَ وَفاتِي، فَيا مَنْ سَمَحَ لِي بِهِ مُتَفَضِّلاً فِي الْعاجِلِ، لا تَمْنَعْنِيهِ يَوْمَ فاقَتِي إلَيْهِ[٦] فِي الْآجِلِ، فَمِنْ شَواهِدِ نَعْماءِ الْكَرِيمِ اسْتِتْمامُ[٧] نَعْمائِهِ، وَمِنْ مَحاسِنِ آلاءِ الْجَوادِ اسْتِكْمالُ آلائِهِ.

٤١ ـ **إلـهي** لَوْلا ماجَهِلْتُ مِنْ أَمْرِي ما شَكَوْتُ عَثَراتِي، وَلَوْلا ما ذَكَرْتُ مِنَ التَّفْرِيطِ[٨] ما سَفَحْتُ عَبَراتِي[٩].

٤٢ ـ **إلـهي** صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَامْحُ مُثْبِياتِ[١٠] الْعَثَراتِ بِمُرْسَلاتِ

---

١. في نسخة ق: «أعلقني» وفي بحار الأنوار: «أغلقني».

٢. في نسخة ج: «و قد».

٣. في نسخة أ: «تكلّفت» وهو تصحيف، وما أثبتناه من نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح.

٤. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «لها».

٥. في نسخة القضاعي: «في».

٦. م: «إليك».

٧. في نسخة ق: «استتمام».

٨. في البلد الأمين: «الإفراط».

٩. ليس في نسخة ق: «ولولا ما ذكرت من التفريط، ما سفحت عبراتي».

١٠. في نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح: «مثبتات».

الْـعَبَراتِ، وَهَبْ لِـي[١] كَـثِيرَ السَّـيِّئاتِ لِـقَلِيلِ الْـحَسَناتِ، إِنَّ الْـحَسَناتِ يُـذْهِبْنَ السَّيِّئاتِ[٢].

٣٣ ـ **إِلـهي** إِنْ كُـنْتَ لا تَـرْحَمُ إِلّا الْـمُجِدِّينَ فـي طـاعَتِكَ فَـإِلىٰ مَـنْ يَـفْزَعُ الْمُقَصِّرُونَ، وَإِنْ كُنْتَ لا تَقْبَلُ إِلّا مِنَ الْمُجْتَهِدِينَ فَإِلىٰ مَنْ يَلْتَجِئُ الْمُفَرِّطُونَ[٣]، وَإِنْ كُنْتَ لا تُكْرِمُ إِلّا أَهْلَ الْإِحْسانِ فَكَيْفَ يَصْنَعُ الْمُسِيؤُونَ، وَإِنْ كانَ لا يَـفُوزُ يَـوْمَ الْحَشْرِ إِلَّا الْمُتَّقُونَ فَبِمَنْ[٤] يَسْتَغِيثُ الْمُذْنِبُونَ[٥].

٣٤ ـ **إِلـهي** وَإِنْ كانَ لا يَجُوزُ عَلَى الصِّراطِ إِلّا مَنْ أَجازَتْهُ بَراءَةُ[٦] عَمَلِهِ، فَأَنّىٰ بِالْجَوازِ لِمَنْ لَمْ يَتُبْ إِلَيْكَ قَبْلَ انْقِضاءِ أَجَلِهِ.

٣٥ ـ **إِلـهي** إِنْ لَمْ تَجُدْ إِلّا (عَلىٰ)[٧] مَنْ عَمَّرَ بِـالزُّهْدِ مَكْـنُونَ سَـرِيرَتِهِ، فَـمَنْ لِلْمُضْطَرِّ الَّذِي لَمْ يُرْضِهِ[٨] بَيْنَ الْعالَمِينَ[٩] سَعْيُ تَقِيَّتِهِ[١٠].

٣٦ ـ **إِلـهي** إِنْ حَجَبْتَ عَنْ مُوَحِّديكَ نَظَرَ تَغَمُّدِكَ لِجِناياتِهِمْ، أَوْقَعَهُمْ غَضَبُكَ بَيْنَ الْمُشْرِكِينَ في كُرُباتِهِمْ.

---

١. ليس في نسخة ج والمصباح: «لي».

٢. ليس في نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح: «إنّ الحسنات يذهبن السيئات».

٣. في نسخة ج: «المخلّطون».

٤. في نسخة ج: «فبمَ».

٥. في البلد الأمين (خ ل) والمصباح: «المجرمون».

٦. وفي نسخة أ: «براة» وما أثبتناه من نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح.

٧. أثبتناه من نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح.

٨. في نسخة ق: «يرضه» وفي المصباح: «يرضيه» بدل «لم يرضه».

٩. ليس في نسخة ج من هنا إلى: «وما لها لا تنهمل وما أدري إلى ما يكون مصيري...».

١٠. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «نقيته».

٣٧ ـ **إلـهي** إنْ (لَمْ)[١] تُنِلْنا يَدُ إحْسانِكَ يَوْمَ الْوُرودِ، اخْتَلَطْنا فِي الْجَزاءِ بِذَوِي الْجُحُودِ.

٣٨ ـ **إلـهي**[٢] فَأَوْجِبْ لَنا بِالْإِسلامِ مَذْخُورَ هِباتِكَ، وَاسْتَصْفِ ما كَدَّرَتْهُ الْجَرائِرُ مِنّا[٣] بِصَفْوِ صِلاتِكَ.

٣٩ ـ **إلـهي** ارْحَمْنا غُرَباءَ إذا تَضَمَّنَتْنا بُطُونُ لُحُودِنا، وَغُمِّيَتْ[٤] بِاللَّبِنِ سُقُوفُ بُيُوتِنا، وَأَضْجِعْنا مَساكِينَ عَلَى الْأَيْمانِ[٥] في قُبُورِنا، وَخَلِّفْنا فُرادىٰ في أَضْيَقِ الْمَضاجِعِ، وَصَرَعَتْنَا الْمَنايا في أَعْجَبِ الْمَصارِعِ، وَصِرْنا في دِيارِ[٦] قَوْمٍ كَأَنَّها مَأْهُولَةٌ، وَهِيَ مِنْهُمْ بَلاقِعُ.

٥٠ ـ **إلـهي**[٧] وَإذا جِئْناكَ عُراةً حُفاةً مُغْبَرَّةً مِنْ ثَرَى الْأَجْداثِ رُؤُوسُنا، وَشاحِبَةً مِنْ تُرابِ الْمَلاحِدِ وُجُوهُنا، وَخاشِعَةً مِنْ أَهْوالِ[٨] الْقِيامَةِ أَبْصارُنا، وَذابِلَةً[٩] مِنْ شِدَّةِ الْعَطَشِ شِفاهُنا، وَجائِعَةً لِطُولِ الْمُقامِ بُطُونُنا، وَبادِنَةً هُنالِكَ لِلْعُيُونِ سَوْآتُنا، وَمُوْصِرَةً[١٠] مِنْ ثِقْلِ الْأَوْزارِ ظُهورُنا، وَمَشْغُولِينَ بِما قَدْ دَهانا عَنْ أَهالِينا وَأَوْلادِنا،

---

١. أثبتناه من نسخة ق والبلد الأمين والمصباح.

٢. في نسخة ق والبلد الأمين (خ ل) والمصباح: «اللّهمّ».

٣. في المصباح: «منها».

٤. في المصباح: «غمت».

٥ ـ في كلّ النسخ والكتب: «الإيمان» ولكن في كتاب الصحيفة العلويّة والتحفة المرتضويّة: «الأيمان» وهو الصحيح، لأنّ الاضطجاع على الأيمان.

٦. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «دار».

٧ ـ زاد في كتاب «الصحيفة العلويّة والتحفة المرتضويّة»: «ارحمنا».

٨. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «أفزاع».

٩. في نسخة ق: «ذايلة».

١٠. في نسخة ق والبلد الأمين: «موقرة»، والمصباح: «موقّرة».

فَلا تُضاعِفِ[١] الْمَصائِبَ عَلَيْنا بِإِعْراضِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ[٢] عَنّا، وَبِسَلْبِ عائِدَةِ ما مَثَّلَهُ الرَّجاءُ مِنّا.

٥١ ـ إِلٰـهي ما حَنَّتْ هٰذِهِ الْعُيُونُ إِلىٰ بُكائِها، وَلا جادَتْ مُنْسَرِبَةً[٣] بِمائِها، وَلا أَسْهَرَها[٤] بِنَجِيبِ النّاكِلاتِ فَقْدُ عَزائِها، إِلّا لِما[٥] أَسْلَفَتْهُ مِنْ عَمْدِها وَخَطائِها، وَما دَعاها إِلَيْهِ عَواقِبُ بَلائِها، وَأَنْتَ الْقادِرُ يا عَزيزُ عَلىٰ كَشْفِ غَمّائِها.

٥٢ ـ إِلٰـهي إِنْ كُنّا مُجْرِمِينَ فَإِنّا نَبْكِي عَلىٰ إِضاعَتِنا مِنْ حُرْمَتِكَ ما تَسْتَوْجِبُهُ[٦]، وَإِنْ كُنّا مَحْرومِينَ فَإِنّا نَبْكِي إِذْ فاتَنا مِنْ جُودِكَ ما نَطْلُبُهُ.

٥٣ ـ إِلٰـهي شُبْ حَلاوَةَ ما يَسْتَعْذِبُهُ لِساني مِنَ الْمَنْطِقِ[٧] في بَلاغَتِهِ، بِزَهادَةِ ما يَرْفَعُهُ[٨] قَلْبِي مِنَ النُّصْحِ في دَلالَتِهِ.

٥٤ ـ إِلٰـهي أَمَرْتَ بِالْمَعْروفِ وَأَنْتَ أَوْلىٰ بِهِ (مِنَ)[٩] الْمَأْمُورِينَ، وَأَمَرْتَ بِصِلَةِ السُّؤالِ[١٠] وَأَنْتَ خَيْرُ الْمَسْؤولِينَ.

٥٥ ـ إِلٰـهي كَيْفَ يَنْقَلِبُ بِنَا الْيَأْسُ عَنِ[١١] الْإِمْساكِ عَمّا لَهِجْنا بِطِلابِهِ، وَقَدِ ادَّرَعْنا

---

١. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «تضعّف».

٢. ليس في البلد الأمين: «الكريم».

٣. في نسخة ق وبحار الأنوار والمصباح: «متشرّبة»، وفي البلد الأمين: «مُتَسَرّبة».

٤. في نسخة ق والبلد الأمين: «أسهدها» وفي المصباح: «أشهدها».

٥. في نسخة أ: «ما» وما أثبتناه من نسخة ق والبلد الأمين والمصباح.

٦. في نسخة أ والمصباح: «نستوجبه» وما أثبتناه من نسخة ق والبلد الأمين.

٧. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «النطق».

٨. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «يعرفه».

٩. أثبتناه من نسخة ق والبلد الأمين والمصباح.

١٠. في نسخة ق والمصباح: «السؤال».

١١. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «إلى».

مِنْ تَأْمِيلِنا إِيّاكَ أَسْبَغَ أَثْوابِهِ.

٥٦ ـ **إِلـهي** إِذا هَزَّتِ الرَّهْبَةُ[١] أَفْنانَ مَخافَتِنا اِنْقَلَعَتْ مِنَ الْأُصُولِ أَشْجارُها، وَإِذا تَنَسَّمَتْ أَرْواحَ[٢] الرَّغْبَةِ[٣] أَغْصانُ[٤] رَجائِنا أَيْنَعَتْ بِتَلْقِيحِ الْبِشارَةِ أَثْمارُها.

٥٧ ـ **إِلـهي** إِذا تَلَوْنا مِنْ صِفاتِكَ "شَدِيدَ الْعِقابِ" أَسِفْنا، وَإِذا تَلَوْنا مِنها "الْغَفُورَ الرَّحِيمَ" فَرِحْنا، فَنَحْنُ بَيْنَ أَمْرَيْنِ، فَلا سَخْطَتُكَ[٥] تُؤْمِنُنا وَلا رَحْمَتُكَ تُؤْيِسُنا.

٥٨ ـ **إِلـهي** إِنْ قَصُرَتْ مَساعِينا عَنِ اسْتِحْقاقِ نَظْرَتِكَ، فَما قَصُرَتْ رَحْمَتُكَ بِنا عَنْ دِفاعِ نِقْمَتِكَ.

٥٩ ـ **إِلـهي** إِنَّكَ لَمْ تَزَلْ[٦] بِحُظُوظِ صَنائِعِكَ عَلَيْنا[٧] مُنْعِماً، وَلَنا مِنْ بَيْنِ الْأَقالِيمِ مُكْرِماً، وَتِلْكَ عادَتُكَ اللَّطِيفَةُ في أَهْلِ الْحَنِيفِيَّةِ[٨]، في سالِفاتِ الدُّهُورِ وَغابِراتِها، وَخالِياتِ اللَّيالِي وَباقِياتِها.

٦٠ ـ **إِلـهي** فَاجْعَلْ[٩] ما حَبَوْتَنا بِهِ مِنْ نُورِ هِدايَتِكَ دَرَجاتٍ نَرْقىٰ بِها إِلىٰ غُرُفاتِ جَنَّتِكَ[١٠].

---

١. في المصباح: «رأفة».

٢. في المصباح: «أرواحُ».

٣. زاد في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «منّا».

٤. في المصباح: «أغصانُ».

٥. في بحار الأنوار: «سخطك».

٦. زاد في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «علينا».

٧. ليس في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «علينا».

٨. في نسخة ق والبلد الأمين: «الخيفة» وفي المصباح: «الحقيقة».

٩. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «اجعل».

١٠. في نسخة ق والبلد الأمين: «إلىّ ما عرّفتنا من جنّتك»، وفي المصباح: «إلى ما عرّفتنا من رحمتك» بدل «إلى غرفات جنّتك».

٦١ـ إلـــهي كَيْفَ تَفْرَحُ بِصُحْبَةِ الدُّنْيا صُدُورُنا، وَكَيْفَ تَلْتَئِمُ في غَمَراتِها أُمُورُنا، وَكَيْفَ يَخْلُصُ لَنا فِيها سُرُورُنا، وَكَيْفَ يَمْلِكُنا[١] بِاللَّهْوِ وَاللَّعِبِ غُرُورُنا، وَقَدْ دَعَتْنا بِافْتِرابِ الْآجالِ قُبُورُنا.

٦٢ـ إلـــهي كَيْفَ نَبْتَهِجُ[٢] بِدارٍ[٣] قَدْ[٤] حَفَرَتْ[٥] (لَنا)[٦] فِيها حَفائِرَ صَرْعَتِها، وَقَتَلَتْنا[٧] بِأَيْدِي الْمَنايا حَبائِلُ غَدْرَتِها[٨]، وَجَرَّعَتْنا مُكْرَهِينَ جُرَعَ مَرارَتِها، وَدَلَّتْنَا النَّفْسُ[٩] عَلَى انْقِطاعِ عِيشَتِها، لَوْلا ما أَصْغَتْ[١٠] إِلَيْهِ (هٰذِهِ)[١١] النُّفوسُ مِنْ رَفائِغِ[١٢] لَذَّتِها، وَافْتِتانِها بِالْفانِياتِ مِنْ فَواحِشِ زِينَتِها.

٦٣ـ إلـــهي فَإِلَيْكَ نَلْتَجِئُ مِنْ مَكائِدِ خَدْعَتِها، وَبِكَ نَسْتَعِينُ عَلىٰ عُبُورِ قَنْطَرَتِها، وَبِكَ نَسْتَفْطِمُ[١٣] الْجَوارِحَ مِنْ[١٤] أَخْلافِ شَهْوَتِها، وَبِكَ نَسْتَكْشِفُ مِنْ جَلابِيبِ حَيْرَتِها، وَبِكَ نُقَوِّمُ مِنَ الْقُلوبِ اسْتِصْعابَ جَهالَتِها.

---

١. في البلد الأمين: «يُملكنا».

٢. في نسخة ق: «ينتهج».

٣. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «في دار».

٤. ليس في نسخة ق والبلد الأمين: «قد».

٥. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «حُفِرَتْ».

٦. أثبتناه من نسخة ق والبلد الأمين والمصباح.

٧. وفي نسخة ب، م: «وقتلت»، ق: «وقتلت».

٨. في نسخة ق: «عذرتها».

٩. في نسخة القُضاعي: «العِبَرُ»، وهو الأنسب.

١٠. في نسخة ق: «صنعتْ» وفي البلد الأمين: «صغت».

١١. أثبتناه من نسخة ق والبلد الأمين والمصباح.

١٢. في المصباح: «رفايع».

١٣. في نسخة ق: «تستفطم».

١٤. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «عن».

٦٤ ـ إلـهي كَيْفَ لِلدُّورِ بِأَنْ[١] تَمْنَعَ مَنْ فِيها مِنْ طَوارِقِ الرَّزايا، وَقَدْ أُصِيبَ في كُلِّ دارٍ سَهْمٌ مِنْ أَسْهُمِ الْمَنايا.

٦٥ ـ إلـهي ما تَتَفَجَّعُ أَنْفُسُنا[٢] مِنَ النُّقْلَةِ[٣] عَنِ الدّيارِ، إِنْ لَمْ تُوحِشْنا هُنالِكَ مِنْ مُرافَقَةِ الْأَبْرارِ.

٦٦ ـ إلـهي ماتَضُرُّنا[٤] فُرْقَةُ الْإِخْوانِ وَالْقَراباتِ[٥]، إِنْ قَرَّبْتَنا مِنْكَ يا ذَا الْعَطِيّاتِ.

٦٧ ـ إلـهي ما تَجُفُّ مِنْ ماءِ الرَّجاءِ مَجارِي لَهَواتِنا، إِنْ لَمْ تَحُمْ طَيْرُ الْأَشائِمِ بِحِياضِ رَغَباتِنا.

٦٨ ـ إلـهي إِنْ عَذَّبْتَنِي فَعَبْدٌ خَلَقْتَهُ لِما أَرَدْتَهُ فَعَذَّبْتَهُ بِعَدْلِكَ[٦]، وَإِنْ رَحِمْتَنِي فَعَبْدٌ وَجَدْتَهُ مُسِيئاً فَأَنْجَيْتَهُ بِرَحْمَتِكَ[٧].

٦٩ ـ إلـهي لا سَبِيلَ إِلَى الِاحْتِراسِ مِنَ الذَّنْبِ إِلّا بِعِصْمَتِكَ، وَلا وُصُولَ إِلىٰ عَمَلِ الْخَيْراتِ إِلّا بِمَشِيَّتِكَ، فَكَيْفَ لِي بِإِفادَةِ ما أَسْلَمَتْنِي[٨] فِيهِ مَشِيَّتُكَ، وَكَيْفَ لِي بِالِاحْتِراسِ مِنَ الذَّنْبِ ما[٩] لَمْ تُدْرِكْنِي فِيهِ عِصْمَتُكَ.

٧٠ ـ إلـهي أَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلىٰ سُؤالِ الْجَنَّةِ قَبْلَ مَعْرِفَتِها، فَأَقْبَلَتِ النَّفْسُ بَعْدَ

---

١. في نسخة ق والمصباح: «أن».

٢. في نسخة أ: «تَفجَعُ أنفسَنا» وما أثبتناه من نسخة ق والبلد الأمين والمصباح.

٣. في المصباح: «النَقلَة».

٤. في نسخة ق والبلد الأمين: «ما تضيرنا».

٥. في المصباح: «والقُربات».

٦. ليس في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «بعدلك».

٧. ليس في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «برحمتك».

٨. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «أسلفتني».

٩. زاد في البلد الأمين: «إن».

الْعِرفانِ عَلىٰ مَسْأَلَتِها، أَفَتَدُلُّ عَلىٰ خَيْرِكَ السُّؤالَ[١]، ثُمَّ تَمْنَعُهُمُ النَّوالَ، وَأَنْتَ (الْكَرِيمُ)[٢] الْمَحْمُودُ في كُلِّ ما تَصْنَعُهُ يا ذاالْجَلالِ (وَالْإِكْرامِ).

٧١ ـ **إِلٰهي** إِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَوْجِبٍ لِما أَرْجُو مِنْ رَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلُ التَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِكَرَمِكَ، فَالْكَرِيمُ لَيْسَ يَصْنَعُ كُلَّ مَعْروفٍ عِنْدَ مَنْ يَسْتَوْجِبُهُ)[٣].

٧٢ ـ **إِلٰهي** إِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ لِما أَرْجُو مِنْ رَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَى الْمُذْنِبِينَ بِفَضْلِ سَعَتِكَ[٤].

٧٣ ـ **إِلٰهي** إِنْ كانَ ذَنْبِي قَدْ أَخافَنِي، فَإِنَّ حُسْنَ ظَنِّي بِكَ قَدْ أَجارَنِي[٥].

٧٤ ـ **إِلٰهي** كَأَنِّي بِنَفْسِي[٦] قائِمَةً بَيْنَ يَدَيْكَ وَقَدْ أَظَلَّها[٧] حُسْنُ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ، فَصَنَعْتَ بِي[٨] ما يُشْبِهُكَ، وَتَغَمَّدْتَنِي بِعَفْوِكَ.

٧٥ ـ **إِلٰهي** ما أَشْوَقَنِي إِلىٰ لِقائِكَ، وَأَعْظَمَ رَجائِي لِجَزائِكَ، وَأَنْتَ الْكَرِيمُ الَّذِي لا يَخِيبُ لَدَيْكَ أَمَلُ الْآمِلِينَ، وَلا يَبْطُلُ عِنْدَكَ شَوْقُ الشَّائِقِينَ[٩].

---

١. في نسخة ق والبلد الأمين: «السؤال».

٢. أثبتناه من: ب، م، ق.

٣. أثبتناه من نسخة ق والبلد الأمين والمصباح.

٤. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «بسعة رحمتك».

٥. زاد في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «إلهي ليس (لا، خ ل) تشبه مسألتي مسألة (مسائل، خ ل) السائلين، لأنّ السائل إذا منع امتنع من السؤال، وأنا لا غنى بي عمّا سألتك على كلّ حال، إلهي أرض عنّي فإن لم ترض عنّي فاعف عنّي فقد يعفو السيّد عن عبده وهو عنه غير راض، إلهي كيف أدعوك وأنا أنا أم كيف أيأس منك وأنت أنت».

٦. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «إنّ نفسي».

٧. في نسخة أ: «أضلّها» وهو تصحيف، وما أثبتناه من نسخة ق والبلد الأمين والمصباح.

٨. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «بها».

٩. ليس في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح هذه الفقرة من الدعاء.

٧٦ ـ **إلـهي** إنْ كانَ قَدْ دَنا أَجَلِي، وَلَـمْ يُـقَرِّبْنِي[١] مِـنْكَ عَـمَلِي، فَـقَدْ جَـعَلْتُ الاِعْتِرافَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَسائِلَ عِلَلِي[٢].

٧٧ ـ **إلـهي** [٣] إنْ[٤] عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلىٰ مِنْكَ بِذلِكَ، وَإِنْ عَذَّبْتَ فَمَنْ أَعْدَلُ[٥] فِي الْحُكْمِ مِنْكَ[٦] هُنالِكَ[٧].

٧٨ ـ **إلـهي** إِنِّي[٨] جُرْتُ عَلىٰ نَفْسِي فِي النَّظَرِ لَها، وَبَقِيَ نَظَرُكَ لَها، فَالْوَيْلُ لَها، إِنْ لَمْ تَسْلَمْ[٩] بِهِ.

٧٩ ـ **إلـهي** إِنَّكَ لَمْ تَزَلْ بِي بارّاً أَيّامَ حَياتِي، فَلا تَقْطَعْ بِرَّكَ عَنِّي بَعْدَ وَفاتِي.

٨٠ ـ **إلـهي** كَيْفَ أَيْأَسُ مِنْ حُسْنِ نَظَرِكَ لِي بَعْدَ مَماتِي، وَأَنْتَ لَمْ تُـوَلِّنِي إِلَّا الْجَمِيلَ أَيّامَ[١٠] حَياتِي.

٨١ ـ **إلـهي** إِنَّ ذُنُوبِي قَدْ أَخافَتْنِي، وَمَحَبَّتِي لَكَ قَدْ أَجارَتْنِي، فَتَوَلَّ مِنْ أَمْرِي[١١]

---

١. في المصباح: «تقرّبني».

٢. في المصباح: «عملي».

٣. ليس في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «الهي».

٤. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «فإن».

٥. زاد في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «منك».

٦. ليس في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «منك».

٧ ـ ورد في كتاب «الصحيفة العلويّة والتحفة المرتضويّة» بعد هذه الفقرة: «الهي ما أشدّ شوقي إلى لقائك وأعظم رجائي لجزائك وأنت الكريم الذي لا يخيب لديك أمل الآملين ولا يبطل عندك شوق المشتاقين» بدل فقرة «الهي ما أشوقني ...» السابقة.

٨. في نسخة ق والمصباح وبحار الأنوار: «إنّي إنْ».

٩. في نسخة أ: «تَسلِمْ» وما أثبتناه من نسخة ق والبلد الأمين والمصباح.

١٠. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «في أيّام».

١١. في أ: «من أمرك بي» وما أثبتناه من نسخة ق والبلد الأمين والمصباح.

ما أَنْتَ أَهْلُهُ، وَعُدْ بِفَضْلِكَ عَلىٰ مَنْ غَمَرَهُ جَهْلُهُ، يا مَنْ لا تَخْفىٰ عَلَيْهِ خافِيَةٌ، وَلا تَغِيبُ عَنْهُ غائِبَةٌ[١]، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لِي ما قَدْ خَفِيَ عَلَى النّاسِ مِنْ أَمْرِي.

٨٢ ـ **إِلٰهي** سَتَرْتَ عَلَيَّ فِي الدُّنْيا ذُنُوباً، وَلَمْ تُظْهِرْها لِعِصابَةٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ[٢]، وَأَنَا إِلىٰ سَتْرِها يَوْمَ الْقِيامَةِ أَحْوَجُ، وَقَدْ أَحْسَنْتَ بِي إِذ[٣] لَمْ تُظْهِرْها لِلْعِصابَةِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، فَلا تَفْضَحْنِي بِها يَوْمَ الْقِيامَةِ عَلىٰ رُؤُوسِ الْعالَمِينَ.

٨٣ ـ **إِلٰهي** جُودُكَ بَسَطَ أَمَلِي، وَشُكْرُكَ قَبِلَ عَمَلِي، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ[٤]، وَسُرَّنِي بِلِقائِكَ عِنْدَ اقْتِرابِ أَجَلِي.

٨٤ ـ **إِلٰهي** لَيْسَ اعْتِذارِي إِلَيْكَ اعْتِذارَ مَنْ يَسْتَغْنِي عَنْ قَبُولِ عُذْرِهِ، فَاقْبَلْ عُذْرِي يا خَيْرَ مَنِ اعْتَذَرَ إِلَيْهِ الْمُسِيؤُونَ.

٨٥ ـ **إِلٰهي** لا تَرُدَّنِي عَنْ[٥] حاجَةٍ قَدْ أَفْنَيْتُ عُمْرِي فِي طَلَبِها مِنْكَ (وَهِيَ الْمَغْفِرَةُ)[٦].

٨٦ ـ **إِلٰهي** وَعِزَّتِكَ لَئِنْ واخَذْتَنِي بِجَهْلِي لَأُطالِبَنَّكَ بِحِلْمِكَ، وَلَئِنْ جازَيْتَنِي بِلُؤْمِي لَأُطالِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ، وَلَئِنْ أَدْخَلْتَنِي النّارَ لَأُعَرِّفَنَّ أَهْلَها أَنِّي كُنْتُ أُحِبُّكَ.

---

١. ليس في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «ولا تغيب عنه غائبة».

٢. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «للعصابة من المسلمين».

٣. في أ: «إذا» وما أثبتناه من نسخة ق والبلد الأمين والمصباح.

٤. ليس في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «فصلّ على محمّد وآل محمّد».

٥ ـ في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «في».

٦ ـ أثبتناه من نسخة ق والبلد الأمين والمصباح، وزاد في الصحيفة العلويّة والتحفة المرتضويّة: «فليس لرغبتي وأملي مذهب».

٨٧ ـ **إلـهي** إنَّكَ[١] لَوْ أَرَدْتَ إهانَتِي لَمْ تَهْدِنِي، وَلَوْ أَرَدْتَ فَضِيحَتِي لَمْ تَسْتُرْنِي، فَمَتِّعْنِي بِما لَهُ هَدَيْتَنِي، وَأَدِمْ لِي ما بِهِ سَتَرْتَنِي.

٨٨ ـ **إلـهي** ما وَصَفْتُ[٢] مِنْ بَلاءٍ أَبْلَيْتَنِيهِ[٣]، أَوْ إحْسانٍ أَوْلَيْتَنِيهِ، فَكُلُّ ذٰلِكَ بِمَنِّكَ مِمّا قَدْ[٤] فَعَلْتَهُ، وَعَفْوُكَ تَمامُ ذٰلِكَ إنْ أَتْمَمْتَهُ.

٨٩ ـ **إلـهي** لَوْلا مَا اقْتَرَفْتُ[٥] مِنَ الذُّنُوبِ، ما فَرِقْتُ عِقابَكَ، وَلَوْلا ما عَرَفْتُ مِنْ كَرَمِكَ، ما رَجَوْتُ ثَوابَكَ، وَأَنْتَ أَوْلَى الْأَكْرَمِينَ بِتَحْقِيقِ أَمَلِ الْآمِلِينَ، وَأَرْحَمُ مَنِ اسْتُرْحِمَ في تَجاوُزِهِ عَنِ الْمُذْنِبِينَ.

٩٠ ـ **إلـهي** نَفْسِي تُمَنِّينِي بِأَنَّكَ تَغْفِرُ لِي، فَأَكْرِمْ بِها أُمْنِيَّةً بَشَّرَتْ بِعَفْوِكَ، وَصَدَّقَ[٦] بِكَرَمِكَ مُبَشِّراتِ تَمَنِّيها[٧]، وَهَبْ لَها[٨] بِجُودِكَ مُدَمِّراتِ تَجَنِّيها[٩].

٩١ ـ **إلـهي** أَلْقَتْنِي[١٠] الْحَسَناتُ بَيْنَ جُودِكَ وَكَرَمِكَ، وَأَلْقَتْنِي السَّيِّئاتُ بَيْنَ عَفْوِكَ وَمَغْفِرَتِكَ، وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لا يَضِيعَ بَيْنَ ذَيْنِ وَذَيْنِ مُسِيءٌ وَمُحْسِنٌ.

---

١. ليس في المصباح: «إنّك».

٢. في المصباح: «وصفتَ».

٣. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «ابتليتنيه».

٤. ليس في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «ممّا قد».

٥. في نسخة ق والمصباح: «ما قرفت»، وفي البلد الأمين: «ما فرقت».

٦. في نسخة ق والبلد الأمين وبحار الأنوار: «فصدّق».

٧. في نسخة ق: «مبشّراتِ تمنّيتها»، وفي المصباح: «مبشّراتِ تُمَنّيها».

٨. في البلد الأمين والمصباح: «لي».

٩. في نسخة ق: «وهب لي بجودك مبشّراتها تمنيها، وهب لي بجودك مدبّرات تجنّيها»، وفي المصباح: «مدمراتِ تُجنّيها» وورد في كتاب «الصحيفة العلويّة والتحفة المرتضويّة» بعد هذه الفقرة: «إلهي تقرّ نفسي بأنّك تعذّبني وقد رجوت بلطفك وعطفك أن تقرّبني.

١٠. في نسخة ق: «القيتني».

٩٢ ـ إلـهي إذا شَهِدَ إيماني[١] بِتَوْحِيدِكَ، وَانْطَلَقَ لِسانِي بِتَمْجِيدِكَ، وَدَلَّنِي الْقُرآنُ عَلىٰ فَواضِلِ جُودِكَ، فَكَيْفَ لا يَبْتَهِجُ[٢] رَجائِي بِحُسْنِ مَوْعُودِكَ.

٩٣ ـ إلـهي تَتابُعُ إحْسانِكَ إلَيَّ يَدُلُّنِي عَلىٰ حُسْنِ نَظَرِكَ (لِي)[٣]، فَكَيْفَ يَشْقَى امْرُؤٌ حَسُنَ لَهُ مِنْكَ النَّظَرُ.

٩٤ ـ إلـهي إنْ نَظَرَتْ إلَيَّ بِالْهَلَكَةِ عُيُونُ سَخْطَتِكَ، فَما نامَتْ عَنِ اسْتِنْقاذِي مِنْها عُيُونُ رَحْمَتِكَ.

٩٥ ـ إلـهي إنْ عَرَّضَنِي[٤] ذَنْبِي لِعِقابِكَ، فَقَدْ أَدْنانِي رَجائِي لَكَ[٥] مِنْ ثَوابِكَ.

٩٦ ـ إلـهي إنْ عَفَوْتَ فَبِفَضْلِكَ، وَإنْ عَذَّبْتَ فَبِعَدْلِكَ، فَيا مَنْ لا يُرْجىٰ إلّا فَضْلُهُ، وَلا يُخْشىٰ[٦] إلّا عَدْلُهُ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَامْنُنْ عَلَيْنا بِفَضْلِكَ، وَلا تَسْتَقْصِ عَلَيْنا في عَدْلِكَ.

٩٧ ـ إلـهي خَلَقْتَ لِي جِسْماً، وَجَعَلْتَ (لِي)[٧] فِيهِ آلاتٍ[٨] أُطِيعُكَ بِها وَأَعْصِيكَ، وَأُغْضِبُكَ بِها وَأُرْضِيكَ، وَجَعَلْتَ لِي مِنْ نَفْسِي داعِيَةً إلَى الشَّهَواتِ، وَأَسْكَنْتَنِي داراً قَدْ مُلِئَتْ مِنَ الآفاتِ، ثُمَّ قُلْتَ لِي: اِنْزَجِرْ[٩].

---

١. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «لي الإيمان» بدل «إيماني».

٢. في نسخة ق: «لا ينتهج».

٣. أثبتناه من نسخة ق والبلد الأمين والمصباح.

٤. في نسخة ق: «عرّضتني».

٥. ليس في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «لك».

٦. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «يُخاف».

٧. أثبتناه من نسخة ق والبلد الأمين والمصباح.

٨. في نسخة ق: «الآيات».

٩. زاد في نسخة ق: «ازجر، فبك أنزجر» بدل «انزجر».

٩٨ ـ **إلـهي** [١] بِكَ أَنْزَجِرُ، وَبِكَ أَعْتَصِمُ فَاعْصِمْنِي، وَبِكَ أَحْتَرِزُ مِنَ الذُّنُوبِ فَاحْفَظْنِي [٢]، وَبِكَ أَسْتَجِيرُ مِنَ النَّارِ فَأَجِرْنِي [٣]، وَ [٤]أَسْتَوْفِقُكَ لِما يُرْضِيكَ، وَأَسْأَلُكَ (يا مَوْلايَ) [٥] فَإِنَّ سُؤالِي لا يُخْفِيكَ.

٩٩ ـ (**إلـهي**) [٦] أَدْعُوكَ دُعاءَ مُلِحٍّ لا يَمَلُّ دُعاءَهُ [٧] مَوْلاهُ، وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ ضَراعَةَ [٨] مَنْ قَدْ أَقَرَّ عَلىٰ نَفْسِهِ بِالْحُجَّةِ في دَعْواهُ.

١٠٠ ـ **إلـهي** لَوْ عَرَفْتُ اعْتِذاراً مِنَ الذَّنْبِ فِي التَّنَصُّلِ [٩] أَبْلَغَ مِنَ الْاِعْتِرافِ بِهِ لَأَتَيْتُهُ، وَلَوْ عَرَفْتُ مُجْتَلِباً لِحاجَتي مِنْكَ أَلْطَفَ مِنَ الْاِسْتِخْذاءِ لَكَ لَفَعَلْتُهُ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ [١٠]، وَهَبْ لِي ذَنْبِي بِالْاِعْتِرافِ، وَلا تَرُدَّنِي في طَلِبَتِي [١١] بِالْخَيْبَةِ عِنْدَ الْاِنْصِرافِ.

١٠١ ـ **إلـهي** سَعَتْ نَفْسِي [١٢] إِلَيْكَ لِنَفْسِي تَسْتَوْهِبُها، وَفَتَحَتْ أَفْواهَ آمالِها [١٣] نَحْوَ

---

١. ليس في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «الهي».

٢. ليس في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «فاعصمني، وبك أحترز من الذنوب فاحفظني».

٣. ليس في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «من النار فأجرني».

٤. زاد في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «بك احترز و».

٥. أثبتناه من نسخة ق والبلد الأمين والمصباح.

٦. أثبتناه من نسخة ق والبلد الأمين والمصباح.

٧. في نسخة ق والبلد الأمين: «دعاء».

٨. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «تضرّع».

٩. في المصباح: «التفضّل».

١٠. ليس في البلد الأمين والمصباح: «ولو عرفت» إلى «فصلّ على محمّد و آل محمّد».

١١. ليس في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «في طلبتي».

١٢ ـ زاد في كتاب «الصحيفة العلويّة والتحفة المرتضويّة»: «بالاعتراف».

١٣. في المصباح: «أفواهها» بدل «أفواه آمالها».

نَظْرَةٍ مِنْكَ بِرَحْمَةٍ[١] لا تَسْتَوْجِبُها، فَهَبْ لَها ما سَأَلَتْ، وَجُدْ لَها[٢] بِما طَلَبَتْ، فَإِنَّكَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ بِتَحْقِيقِ أَمَلِ (الْآمِلِينَ)[٣]، وَأَرْحَمُ مَنِ اسْتُرْحِمَ فِي تَجاوُزِهِ عَنِ الْمُذْنِبِينَ[٤].

١٠٢ ـ **إِلٰهي** قَدْ أَصَبْتُ مِنَ الذُّنُوبِ ما قَدْ عَرَفْتَ، وَأَسْرَفْتُ عَلىٰ نَفْسِي بِما قَدْ عَلِمْتَ، فَاجْعَلْنِي عَبْداً إِمّا طائِعاً فَأَكْرَمْتَهُ، وَإِمّا عاصِياً فَرَحِمْتَهُ.

١٠٣ ـ **إِلٰهي** كَأَنِّي بِنَفْسِي قَدْ أُضْجِعَتْ فِي حُفْرَتِها، وَانْصَرَفَ عَنْهَا الْمُشَيِّعُونَ[٥] مِنْ جِيرَتِها، وَبَكَى الْغَرِيبُ عَلَيْها لِغُرْبَتِها، وَجادَ بِالدُّمُوعِ عَلَيْهَا الْمُشْفِقُونَ مِنْ عَشِيرَتِها، وَناداها مِنْ شَفِيرِ الْقَبْرِ ذَوُو مَوَدَّتِها، وَرَحِمَهَا الْمُعادِي لَها فِي الْحَياةِ عِنْدَ صَرْعَتِها، وَلَمْ يَخْفَ عَلَى النّاظِرِينَ إِلَيْها عِنْدَ ذٰلِكَ عُدْمُ[٦] فاقَتِها، وَلا[٧] عَلىٰ مَنْ رَآها قَدْ تَوَسَّدَتِ الثَّرىٰ عَجْزُ حِيلَتِها، فَقُلْتَ: مَلائِكَتِي، فَرِيدٌ قَدْ[٨] نَأىٰ عَنهُ الْأَقْرَبُونَ، وَوَحِيدٌ جَفاهُ الْأَهْلُونَ، نَزَلَ بِي قَرِيباً، وَأَصْبَحَ فِي اللَّحْدِ غَرِيباً[٩]، وَقَدْ كانَ لِي فِي دارِ الدُّنْيا داعِياً، وَلِنَظْرَتِي لَهُ[١٠] فِي هٰذَا الْيَوْمِ راجِياً، فَتُحْسِنُ[١١] عِنْدَ ذٰلِكَ ضِيافَتِي،

---

١. ليس في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «برحمة».

٢. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «عليها».

٣. أثبتناه من نسخة ق والبلد الأمين والمصباح.

٤. ليس في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «وأرحم من استرحم في تجاوزه عن المذنبين».

٥. في البلد الأمين: «المتبعون».

٦. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «ضرّ».

٧. ليس في نسخة ق: «لا».

٨. ليس في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «قد».

٩. في نسخة ق: «قريباً».

١٠. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «لنظري إليه».

١١. في أ: «فتَحسُنُ» وما أثبتناه من نسخة ق والبلد الأمين والمصباح.

وَتَكُونُ أَشْفَقَ عَلَيَّ[١] مِنْ أَهْلي وَقَرابَتي.

١٠٤ ـ **إلـهي** لَوْ طَبَّقَتْ[٢] ذُنُوبِي ما بَيْنَ السَّماءِ إِلَى الأَرْضِ، وَخَرَقَتِ النُّجُومَ[٣]، وَبَلَغَتْ أَسافِلَ[٤] الثَّرىٰ، ما رَدَّنِي الْيَأْسُ عَنْ تَوَقُّعِ غُفْرانِكَ، وَلا صَرَفَنِي الْقُنُوطُ عَنِ انْتِظارِ[٥] رِضْوانِكَ.

١٠٥ ـ **إلـهي** دَعَوْتُكَ بِالدُّعاءِ الَّذِي عَلَّمْتَنِيهِ، فَلا تَحْرِمْنِي جَزاءَكَ الَّذِي وَعَدْتَنِيهِ، فَمِنَ النِّعْمَةِ أَنْ هَدَيْتَنِي بَحُسْنِ[٦] دُعائِكَ، وَمِنْ تَمامِها أَنْ تُوجِبَ لِي مَحْمُودَ جَزائِكَ.

١٠٦ ـ **إلـهي** وَعِزَّتِكَ وَجَلالِكَ، لَقَدْ أَحْبَبْتُكَ[٧] مَحَبَّةً اسْتَقَرَّتْ حَلاوَتُها في قَلْبِي وَصَدْرِي[٨]، وَما تَنْعَقِدُ ضَمائِرُ مُوَحِّدِيكَ عَلىٰ أَنَّكَ تُبْغِضُ مُحِبِّيكَ.

١٠٧ ـ **إلـهي** لا تُشْبِهُ مَسْأَلَتِي مَسائِلَ السّائِلِينَ، لِأَنَّ السّائِلَ إِذا مُنِعَ امْتَنَعَ مِنَ السُّؤالِ، وَأَنَا لا غِنىٰ بِي عَمّا سَأَلْتُكَ عَلىٰ كُلِّ حالٍ.

١٠٨ ـ **إلـهي**[٩] لا تَغْضِبْ عَلَيَّ فَلَسْتُ أَقْوىٰ عَلىٰ غَضَبِكَ[١٠]، وَلا تَسْخَطْ عَلَيَّ

---

١. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «أرحم بي» بدل «أشفق عليّ».

٢. في المصباح: «طبقت».

٣. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «النجوم».

٤. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «أسفل».

٥. في المصباح: «ابتغاء».

٦. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «لحسن».

٧. في نسخة ق: «أجبتك».

٨. ليس في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «وصدري».

٩. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: ورد هذه الفقرة بعد «يتوقعها المحسنون».

١٠. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «لغضبك».

فَلَسْتُ أَقْوَمَ[١] لِسَخَطِكَ.

١٠٩ ـ **إلـهي**[٢] أَخافُ عُقُوبَتَكَ كَما يَخافُهَا الْمُذْنِبُونَ، وَأَنْتَظِرُ عَفْوَكَ كَما يَنْتَظِرُهُ الْمُجرِمُونَ[٣]، وَلَسْتُ أَيْأَسُ مِنْ رَحْمَتِكَ الَّتِي يَتَوَقَّعُهَا الْمُحْسِنونَ.

١١٠ ـ **إلـهي** أَ[٤] لِلنَّارِ رَبَّيْتِنِي أُمِّي فَلَيْتَهَا لَمْ تُرَبِّنِي، أَمْ لِلشَّقاءِ وَلَدَتْنِي فَلَيْتَهَا لَمْ تَلِدْنِي.

١١١ ـ **إلـهي** انْهَمَلَتْ عَبَراتِي حِينَ ذَكَرْتُ عَثَراتِي، وَما لَها لا تَنْهَمِلُ وَما[٥] أَدْرِي إِلىٰ ما يَكُونُ مَصِيرِي، وَعَلىٰ ماذا يَهْجُمُ عِنْدَ الْبَلاغِ مَسِيرِي[٦]، وَأَرىٰ نَفْسِي تُخاتِلُنِي، وَأَيّامِي تُخادِعُنِي، وَقَدْ خَفَقَتْ[٧] فَوْقَ رَأْسِي أَجْنِحَةُ الْمَوْتِ، وَرَمَقَتْنِي مِنْ قَرِيبٍ أَعْيُنُ الْفَوْتِ، فَما عُذْرِي وَقَدْ حَشا مَسامِعِي رافِعُ الصَّوْتِ.

١١٢ ـ **إلـهي** قَدْ[٨] رَجَوْتُ مِمَّنْ تَوَلّانِي في حَياتِي بِإِحْسانِهِ أَنْ يَتَغَمَّدَنِي[٩] عِنْدَ وَفاتِي بِغُفْرانِهِ، وَلَقَدْ رَجَوْتُ مِمَّنْ أَلْبَسَنِي بَيْنَ الْأَحْياءِ ثَوْبَ عافِيَتِهِ، أَنْ لا يُعْرِيَنِي[١٠] (مِنْهُ)[١١] بَيْنَ الْأَمْواتِ بِجُودِ رَأْفَتِهِ.

---

١ ـ في كتاب «الصحيفة العلويّة والتحفة المرتضويّة»: «أقُومُ».

٢. ليس في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «الهي أخاف ... المذنبون».

٣. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «المذنبون».

٤. ليس في نسخة ق: «أ».

٥. في نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح: «لا».

٦. ليس في نسخة ق: «وعلى ماذا يهجم عند البلاغ مسيري».

٧. في نسخة ج: «خفقت».

٨. في نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح: ورد «قد رجوت ... بغفرانه» بعد «بجود رأفته».

٩. في نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح: «أن يشفعه لي» بدل «أن يتغمّدني».

١٠. ب، ج، ق: «ألّا يعَرّيني».

١١. أثبتناه من نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح.

١١٣ ـ إلـهي [١] أَمَرْتَنِي فَقَصَّرْتُ، وَنَهَيْتَنِي فَرَكِبْتُ، فَهٰذِهِ يَدِي بِما جَنَتْ، وَهٰذِهِ ناصِيَتِي بِما أَتَتْ، إِنْ تُعَذِّبْنِي فَلَكَ السَّبِيلُ، وَإِنْ تَعْفُ عَنِّي فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ، يا أَنِيسَ كُلِّ غَرِيبٍ آنِسْ فِي الْقَبْرِ غُرْبَتِي، وَيا ثانِيَ كُلِّ وَحِيدٍ ارْحَمْ فِي الْقَبْرِ وَحْدَتِي، وَيا عالِمَ السِّرِّ وَالنَّجْوىٰ، وَيا كاشِفَ الضُّرِّ وَالْبَلْوىٰ، كَيْفَ نَظَرُكَ لِي مِنْ بَيْنِ سُكّانِ الثَّرىٰ، وَكَيْفَ صَنِيعُكَ إِلَيَّ فِي دارِ الْوَحْشَةِ وَالْبِلىٰ [٢]، فَقَدْ كُنْتَ بِي لَطِيفاً أَيّامَ حَياةِ الدُّنْيا، يا أَفْضَلَ الْمُنْعِمِينَ فِي نَعْمائِهِ [٣]، وأَنْعَمَ [٤] الْمُفْضِلِينَ فِي آلائِهِ [٥].

١١٤ ـ إلـهي [٦] كَثُرَتْ أَياديكَ عِنْدِي فَعَجَزْتُ عَنْ إِحْصائِها، وَضِقْتُ ذَرْعاً فِي شُكْرِي لَكَ بِجَزائِها، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ ما أَوْلَيْتَ، وَلَكَ الشُّكْرُ عَلىٰ ما أَبْلَيْتَ [٧]، يا

---

١. ليس في نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح: «إلهي أمرتني ... يا أرحم الراحمين».

٢. في المصباح: «والبلاء».

٣. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «آلائه».

٤. ليس في نسخة ج: «وأنعم المفضلين في آلائه».

٥. في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «نعمائه».

٦. ليس في نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح: «الهي».

٧ـ زاد في كتاب «الصحيفة العلويّة والتحفة المرتضويّة» هذه الفقرات من الدعاء: ولك الحمد على ما أعطيت. الهي أحبّ الأمور إلى نفسي وأعودها منفعة عليّ في رمسي ما ترشدها بهدايتك إليه وتدنيها برحمتك عليه فصلّ على محمّد وآله واستعملها بذلك إذ كنت أرحم بها منّي. إلهي إن أشار بي التقصير إلى استيجاب الحرمان فقد أومأ بي الاعتراف من رحمتك إلى الإحسان. إلهي هل للمذنبين من قبول لديك أن اعترفوا وهل يغني الاعتراف عن الخطّائين بما اقترفوا. إلهي أثني عليك أحسن الثناء لأنّ بلائك عندي أحسن البلاء أحسنت إليّ وأسأت إلى نفسي أوقرتني نعماً وأوقرت نفسي ذنوباً كم من نعمة لم نؤدّ شكرها وكم من خطيئة عليّ أحصيتها أستحيي من ذكرها وأخاف مغبّتها إن لم تعف لي عنها. إلهي فارحم تذلّي إذا ناديتك واسمع مناجاتي إذا ناجيتك فإنّي أعترف لك بخطيئتي وأذكر لك فاقتي ←

خَيْرَ مَنْ دَعاهُ داعٍ، وَأَفْضَلَ مَنْ رَجاهُ راجٍ، فَبِذِمَّةِ[١] الْإِسلامِ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ، وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ أَعْتَمِدُ عَلَيْكَ، وَبِمُحَمَّدٍ[٢] وَآلِ مُحَمَّدٍ أَتَشَفَّعُ[٣] إِلَيْكَ، فَصَلِّ[٤] عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْرِفْ لِي ذِمَّتِيَ الَّتِي بِها رَجَوْتُ قَضاءَ حاجَتِي، وَارْحَمْنِي[٥] بِرَحْمَتِكَ يا قَرِيبُ يا مُجِيبُ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَبِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ،[٦] يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ[٧].

◄► ومسكنتي وميل نفسي وقسوة قلبي وضعف عملي فإنّك قلت فما استكانوا لربّهم وما يتضرّعون فها أنا ذا يا إلهي بين يديك تراني وتسمع كلامي وتعلم منقلبي ومثواي وما أريد أن ابتدأ به مقالي جرت مقاديرك يا سيّدي بإساءتي وما يكون منّي من سريرتي وأعلاني وأنت متمّم ما أخذت عليه ميثاقي بيدك لا بيد غيرك ما تشاء من زيادتي ونقصاني فصلّ على محمّد وآله وافعل بي ما أنت أهله وهب لي ما سألته وإن لم استوجبْه بكرمك يا كريم. إلهي خلقتني سويّاً وربّيتني صبيّاً وجعلتني مكفيّاً غنيّاً فلك الحمد على ذلك وعلى كلّ حال فتمّم ذلك يا إلهي بالفوز بالجنّة والنجاة من النار يا كريم. إلهي إن أخذتني بذنوبي وقايستني بعملي فليس يمنعك ذلك من أن تكون رحيماً بالمساكين، جواداً للسائلين، وهّاباً للطالبين، غفّاراً للمذنبين، لأنّك أرحم الراحمين وأنت يا إلهي الذي لا يتعاظمك ذنب تغفره ولا عيب تصلحه فصلّ على محمّد وآله واغفر لي ذنوبي وأصلح عيوبي وهب لي من العمل بطاعتك ومن واسع رحمتك ما تجعلني به من خالصتك وأصفيائك وأهل كرامتك فإنّي قد سألتك عظيماً وأنت أعظم ممّا سألتك وتب عليّ إنّك أنت التوّاب الرحيم يا خير...

١. في نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح: «بذمة».

٢. في نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح: «وبحقّ محمّد».

٣. ليس في نسخة ج والبلد الأمين والمصباح: «أتقرّب»، وفي نسخة ق: «أتشفع ... وآل محمّد».

٤. في أ: «صلّ» وما أثبتناه من نسخة ج والبلد الأمين والمصباح.

٥. ليس في نسخة ج، ق والبلد الأمين والمصباح: «وارحمني ... بكلّ شيء محيط».

٦. زاد في نسخة ق والبلد الأمين والمصباح: «برحمتك».

٧ـ قد انتهى نسخة «أ» هاهنا، وكتب الكاتب هذه العبارة:

على يد العبد المذنب الراجي إلىٰ رحمة الله الباري عبدالحقّ بن محمّد السبزواريّ في العشر الأوسط من شهر شوّال ختم بالخير والإقبال، سنة ثمان وتسعمائة.

(ثُمَّ أَقْبَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ عَلَىٰ نَفْسِهِ، يُعاتِبُها وَيَقُولُ:

أَيُّهَا[١] الْـمُناجِي رَبَّـهُ بِـأَنْواعِ الْكَـلامِ، وَالطّـالِبُ مِـنْهُ مَسْكَـناً فـي دارِ السَّـلامِ، وَالْمُسَوِّفُ بِالتَّوْبَةِ عاماً بَعْدَ عامٍ، ما أَراكَ مُنْصِفاً لِنَفْسِكَ مِنْ بَيْنِ الْأَنامِ، فَلَوْ دافَعْتَ[٢] نَوْمَكَ يا غافِلاً بِالْقِيامِ[٣]، وَقَطَعْتَ يَوْمَكَ بِالصِّيامِ، وَاقْتَصَرْتَ عَلَى الْقَلِيلِ مِنْ لَعْقِ الطَّعامِ، وَأَحْيَيْتَ مُجْتَهِداً لَيْلَكَ[٤] بِالْقِيامِ، كُنْتَ أَحْرىٰ أَنْ تَنالَ أَشْرَفَ الْمَقامِ.

أَيَّتُهَا النَّفْسُ اخْلُطِي[٥] لَيْلَكِ وَنَهارَكِ بِالذّاكِرِينَ، لَعَلَّكِ أَنْ تَسْكُنِي رِياضَ الْخُلْدِ مَعَ الْمُتَّقِينَ، وَتَشَبَّهِي بِنُفُوسٍ قَدْ أَقْرَحَ السَّهَرُ رِقَّةَ[٦] جُفُونِها، وَدامَتْ فِي الْخَلَواتِ شِدَّةُ حَنِينِها، وَأَبْكَى الْمُسْتَمِعِينَ عَوْلَةُ أَنِينِها، وَأَلْأَنَ قَسْوَةَ الضَّمائِرِ ضَجَّةُ رَنِينِها، فَإِنَّها نُفُوسٌ قَدْ باعَتْ زِينَةَ الدُّنْيا، وَآثَرَتِ الْآخِرَةَ عَلَى الْأُولىٰ، أُولٰئِكَ وَفْدُ الْكَرامَةِ يَوْمَ يَخْسَرُ فِيهِ الْمُبْطِلُونَ، وَيُحْشَرُ إِلىٰ رَبِّهِمْ بِالْحُسْنىٰ وَالسُّرُورِ الْمُتَّقُونَ)[٧].

---

١. ليس في نسخة ق: «أيها».

٢. في بحار الأنوار: «رافعت».

٣. ليس في المصباح: «بالقيام وقطّعت يومك».

٤. في نسخة ق: «مجتهد إليك».

٥. في بحار الأنوار: «اخلصي».

٦. في نسخة ق: «دقة».

٧. أثبتنا ما بين القوسين من نسخة ق والبلد الأمين والمصباح.